



یک نماز شب می‌تواند زمین و زمان را به هم بدوزد

آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود گفت: دو رکعت نماز خیلی می‌تواند کار کند. یک نماز شب می‌تواند زمین و زمان را به هم بدوزد.

آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود گفت: دو رکعت نماز خیلی می‌تواند کار کند. یک نماز شب می‌تواند زمین و زمان را به هم بدوزد.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود مطالبی فرموده که متن آن برای علاقمندان در ذیل می‌آید.

قبل از آنکه وارد بحث شوم، لازم می‌دانم از این قضیه ۲۲ بهمن و این راهپیمایی مردم، تشکر کنم. مردم ما خوبند و فهمیدند که چه باید بکنند و چون وضع حساسی داشتیم، راهپیمایی امسال بهتر از سال گذشته بود و عالی بود.

من به آقای رئیس جمهور و آقای لاریجانی گفتم حیف است که این مردم فساد اقتصادی داشته باشند. حیف است که این مردم فساد اداری داشته باشند. حیف است که این مردم فساد اخلاقی داشته باشند. مردم ملتفت و متوجه که در موقع حساس چه باید بکنند، لذا همه و مخصوصاً مسئولین باید از این راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال، از مردم تشکر کنند. امیدواریم پروردگار عالم پاداش آنها را، باران‌های پی در پی که موجب سعادت دنیا و آخرت آنها شود، عنایت کند. انشاءالله.

بحث ما رسید به اینجا که هدف از خلقت انسان اینست که خلیفه‌الله بسازد: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» [۱] و اگر بخواهد خلیفه بسازد، باید این انسان با اختیار خودش درخت رذالت را از دل بکند و درخت فضیلت به جای آن بکارد و غرس کند. به مرور زمان این شجره طیبه قرآن را میوه دار و باردار کند و از میوه آن هم خود استفاده کند و هم دیگران.

چند جلسه‌ای در این باره صحبت کردم. راجع به اینکه چه کنیم که خودسازی کنیم، در جلسه قبل مقداری صحبت کردم. این کار مشکل و به قول پیامبر اکرم(ص) این جهاد اکبر، و بنا شد در این جلسه راجع به سوره معارج مقداری صحبت کنم.

قرآن در سوره «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» [۲]، در وسط سوره دستورالعملی برای خودسازی داده است. این دستورالعمل آسان است و اگر انسان بخواهد، خوب می‌تواند عمل کند و قرآن وعده داده است که اگر به این دستورالعمل عمل کند، خدا در خودسازی به او کمک می‌کند. به عبارت دیگر، خدا معلم اخلاق او می‌شود. در جلسه قبل می‌گفتم تا خدا معلم اخلاق ما نشود، نمی‌توانیم به جایی برسیم: «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ» [۳]

اگر فضل و رحمت خدا نباشد، هیچکس نمی‌تواند مهذب شود و هیچکس نمی‌تواند درخت رذالت را از دل بکند. باید خدا معلم اخلاق ما شود تا بتوانیم این کار سخت را و این راه مشکل را که از مو باریک‌تر و از شمشیر برنده‌تر و از آتش سوزنده‌تر است، بپیماییم. و این دستورالعملی که در سوره معارج آمده، دستورالعمل آسانی است و پروردگار عالم را معلم اخلاق می‌کند و خدا به ما کمک می‌کند و ما با اراده خود درخت رذالت را از دل می‌کنیم.

قرآن در سوره معارج می‌فرماید: همه انسان‌ها هلوع هستند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا» [۴]؛ همه انسان‌ها صفات رذیله دارند و وقتی صفات رذیله گل کند، خودش را گم می‌کند. یک آدم بی‌ادب و رذلی می‌شود. بعد قرآن می‌فرماید: آیا می‌خواهی هلوع نباشی؟! یعنی می‌خواهی کاری کنی که درخت رذالت را از دل بکنی و آدم بی‌ادبی نباشی؟! باید اهمیت به نماز بدهی. قرآن در این سوره مبارکه، پنج دستورالعمل به ما داده است. اول آنها نماز است و در این دستورالعمل این نماز در اول و آخر تکرار شده است: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» [۵] و در آخر کار دوباره می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» [۶]؛ اگر جداً اهمیت به نماز دادی، مخصوصاً نمازهای واجب و نوافل مثل نماز شب، جداً محافظت از نماز کردی و در وقت نماز همه چیز تعطیل شد به جز نماز، و مثل اینکه در گران‌بهای داری، چطور آن را حفظ می‌کنی؟ اگر همینطور محافظ نماز باشی، خدا کمکت می‌کند.

در آیه دیگر می‌فرماید: نماز کمک می‌کند: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» [۷] و در آیه دیگر می‌فرماید: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» [۸]؛ از دو چیز در خودسازی کمک بگیر. یکی صبر و استقامت و یکی هم نماز. از نماز می‌توانیم کمک بگیریم که خود نماز به ما کمک کند.

در جایی از قرآن نداریم که نماز بخوان، بلکه بیش از دویست جا در قرآن می‌فرماید: اقامه نماز بکن و نماز را زنده بدار و معنای اینکه نماز در میان مردم زنده باشد، اینست که در اول وقت همه چیز تعطیل باشد به جز نماز. همه جا خالی باشد، به جز مسجدها و هیچ چیز و هیچ کس نباشد به جز نماز. صلاة مداوم و محافظ که در جاهای دیگر می‌فرماید: اقامه نماز. اگر جداً نماز در میان مردم اینطور شد، قطعاً آن نماز کمک می‌کند. قطعاً این می‌تواند با کمک گرفتن از نماز خدا را معلم اخلاق خود کند و می‌تواند به واسطه نماز درخت رذالت را از دل بکند. آنگاه کار مشکل، آسان می‌شود. اما نماز، همینطور که قرآن می‌فرماید: اقامه نماز. گفتم در قرآن جایی نداریم که بگوید نماز بخوان، اما در اول قرآن با دویست جا به بالا، می‌فرماید: اقامه نماز داشته باش و اقامه نماز همین است. اگر جداً ما در اول وقت همه چیزمان تعطیل بود به جز نماز، همه چیزمان تعطیل بود به جز مسجدها، نماز اول وقت با جماعت و با تعقیب و کم کم برسد به آنجا که با حضور قلب باشد. از وقتی که می‌گوید الله اکبر تا

وقتی که می‌گوید السلام علیکم و رحمة الله و برکاته، هیچ کس در نظر او نباشد به جز خدا و هیچ چیزی در نظر او نباشد، به جز خدا؛ بعد هم تعقیبات و مخصوصاً مثل تسبیح حضرت زهرا «سلام‌الله‌علیها» و توسل به امام حسین(ع) و بالاخره یک نماز خداپسند، یک نماز امام زمان پسند؛ آنگاه از این نماز خیلی کارها می‌آید. یکی از کارهایش اینست که ما خشکسالی نداریم: «يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» [۹]؛ مثل دم اسب برایتان باران می‌بارد. «وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» [۱۰]؛ از نظر دنیا آباد می‌شوید و سبزه‌ها در همه جا و بالاخره طراوت‌ها در همه جا هست. نماز این نعمت را به انسان عنایت می‌کند.

می‌دانید که در همین دو روزه در اهواز از نظر خشکسالی، غبار شهر را گرفته است و آلودگی در غبار موجب مرض‌ها شده است و العیاذبالله مقداری بیشتر شود، به جای خطرناکی می‌رسد و این در اثر خشکسالی است. اگر خشکسالی نبود، این غبار و آلودگی نبود. آلودگی اصفهان هم خیلی بالاست و در اثر خشکسالی است؛ و در سورة نوح می‌فرماید: حضرت نوح به امتش می‌گفت: ای امت من خدایی شوید: «يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» تجربه کنیم و ببینیم که جداً قرآن درست می‌گوید یا نه و آنچه قرآن می‌گوید واقع می‌شود یا نه.

دو رکعت نماز خیلی می‌تواند کار کند. یک نماز شب می‌تواند زمین و زمان را به هم بدوزد. یکی گفته بود مجرد بودم و کار هم نداشتم و از نظر دنیا هم فقیر بودم، رفتم نزد آقای نخودکی. این مرحوم نخودکی عجیب بوده است و در زمان پهلوی هم بوده است. برای اینکه در محیط گناه نباشد، در دهی به نام نخودک در مشهد رفت و در آنجا زندگی می‌کرد. این آقا خیلی چیزها داشته در اثر نماز و رابطه با خدا و حتی یکی از شاگردان بالای ایشان به من می‌گفتند: علاوه بر اینکه طی الارض داشت، طی اللسان هم داشت. لذا عصر به عصر از چهار فرسخ با طی الارض به حرم مطهر می‌آمد و تا می‌آمد، نصف قرآن را می‌خواند. بعد کارهایش را در حرم مطهر می‌کرد تا یک ساعت یا دو ساعت بعد از شب با طی الارض به خانه می‌رفت و در راه برگشت نصف دیگر قرآن را می‌خواند. هم به حرم آمده بود و هم نماز خوانده بود و هم تعقیب و زیارت و یک ختم قرآن هم خوانده بود. کسانی که ایشان را دیدند، می‌گویند که عجیب بوده است، البته در اثر عبادت و نماز و در اثر دستورالعملی که انشاءالله دو سه هفته‌ای درباره‌اش صحبت می‌کنم، انسان به جاهای بالایی می‌رسد؛ می‌شود سلمان شد، در محیط آلوده هم می‌شود ابوذر شد. همینطور که سلمان و ابوذر در محیط آلوده، اینطور شدند، به ما می‌گویند که می‌شود. اصلاً نمی‌توانم و نمی‌شود در قاموس انسان راه ندارد. اگر بخواهد می‌شود و می‌تواند. اما نخواستیم، لذا حتی به اینجا رسیده که اهمیت به نماز نمی‌دهیم. کدام یک از شما می‌توانید بگویید من کسی هستم که دو رکعت نماز با حضور قلب خواندم؟ از وقتی که گفتم الله اکبر تا وقتی که گفتم السلام علیکم و رحمة الله و برکاته، هیچ چیز و هیچ کس در خاطر من نبود به جز خدا و در نماز بودم. آقای نخودکی اینگونه نمازها را می‌خواند و به اینجا می‌رسد. این آقا گفته بود من مجرد بودم و زن می‌خواستم اما نمی‌توانستم و دلم خانه و زندگی می‌خواست، ولی نمی‌توانستم و بیکار بودم و کار می‌خواستم، اما نمی‌توانستم. رفتم پیش آقای نخودکی و گفتم آقا مجرد هستم، فرمود نماز اول وقت. گفتم بیکارم، ایشان گفت نماز اول وقت. گفتم خانه و کاشانه ندارم، گفت نماز اول وقت. این آقا گفت سه سال طول نکشید که کار و بارم خوب شد و کار مقدس و زن صالحه پیدا کردم. قرآن می‌گوید: این می‌شود و روایات هم می‌گویند: این می‌شود. در روایات می‌خوانیم اگر کسی دو رکعت نماز بخواند، یک دعای مستجاب دارد. خدا که بخیل نیست، پس چرا نمی‌دهد؟ زیرا نماز اول وقت نداریم و اینطور است.

یک شخصی همین روایت را خوانده بود که اگر کسی دو رکعت نماز بخواند و بعد حاجت بخواهد، خداوند حاجتش را عنایت می‌کند. این شخص از علما بوده و مسجد هم داشته است. رفته در مسجد خودش در قبل از ظهر و در مسجد را بسته که هیچکس نباشد و حضور قلب هم پیدا کند. در نماز به یادش آمده که این مسجد گلدسته نداشته است. بنا کرد گلدسته بسازد و گفت بنایش فلان آقا و عمله فلان آقا باشد و بالاخره پولش از کجا باشد و گلدسته ساخته شد و گفت السلام علیکم و رحمة الله و برکاته. دو رکعت نماز را خواند و دست‌هایش را بالا کرد که بگوید خدایا حاجتم را بده. آنگاه عقلش گفت یا خدا به یادش آورد که آن روایتی که خواندی این بود که اگر کسی دو رکعت نماز بخواند، یک حاجت مستجاب دارد، اما نداریم که هرکس گلدسته بسازد. تو نماز خواندی یا گلدسته ساختی؟!

پس گلدسته نسازیم، بلکه نماز بخوانیم. این نماز شب کارها می‌کند. این نماز شب، مرحوم محقق همدانی تحویل جامعه می‌دهد. این نماز شب، نه تنها حاجت می‌دهد، بلکه انسان می‌تواند به واسطه آن نماز شب درخت رذالت را از دل بکند و حسود و متکبر و خودخواه نباشد و دنیاطلب نباشد. انسان می‌تواند به واسطه نماز نه تنها درخت رذالت را بکند، بلکه درخت فضیلت غرس کند. البته خدا می‌دهد اما واسطه نماز است.

به نماز خیلی باید اهمیت دهید. افضل همه چیز نماز است. از امام صادق(ع) پرسیدند: افضل همه چیز، چیست؟ امام صادق(ع) فرمودند: من بعد از معرفت چیزی سراغ ندارم به جز نماز. بعد آیات اول سورة بقره را خواندند: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» [۱۱].

امام صادق(ع) فرمودند: اول همه چیز توحید و بعد نماز است. و اما اینکه نماز را اقامه کند. خوشا به حال کسانی که به راستی مقید به نمازند. به تجربه اثبات شده که هم دنیا را دارند و هم آخرت را و به تجربه اثبات شده که یک زندگی منهای غم و غصه و دلهره و نگرانی، خدا به او عنایت می‌کند. خدا وعده داده است. در روایات فراوان وعده داده است و بالاخره این نماز خیلی کار می‌کند. و اما متأسفانه سنی‌ها به نماز بیشتر اهمیت می‌دهند. البته نمازهای آنها روح ندارد و چون ولایت ندارد نماز نیست و ما شیعیان با آن ولایت و باطن نماز که در نماز موجود است، می‌توانیم به واسطه اهمیت به نماز کارهایی کنیم. می‌توانیم برای دیگران کارهایی کنیم. هم برای دنیایشان و هم برای آخرتشان. و متأسفانه ما شیعیان اهمیت به نماز نمی‌دهیم و مسجدهای

ما خلوت است. الان در خیابان‌ها در مغرب کسی رو به مسجد نمی‌رود و ترافیک عجیبی در خیابان‌هاست. مابقی را نمی‌گوییم که در پارک‌ها بین دختر و پسر چه خبرهاست. معلوم است که این دختر و پسر بدبخت می‌شوند. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ، الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» [۱۲]؛ وای به کسی که اهمیت به نماز نمی‌دهد و در اول وقت به جای اینکه نماز بخواند، مشغول کار دیگری است. اگر خدا به کسی بگوید: وای به تو! معلوم است که گرفتار است و غم و غصه و نگرانی و توهّمات و تخیلات دارد و معلوم است که استفاده کردن از نعمت‌های خدا برای جهنم رفتن. این موبایل خوبست، اما الان یک اطاق شیطان و یک قوطی شیطان برای جوان‌ها شده است. الان موبایل وسیله رفیق بازی شده و آن هم رفیق دختر و پسری که قرآن می‌فرماید: مثل زنا است. قرآن می‌فرماید: دختر شایسته و پسر شایسته آنست که اهل زنا نیست، «لَا مَتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ» [۱۳] «و لَا مَتَّخِذِي أَخْدَانٍ» [۱۴] رفیق نامحرم هم ندارد و رفیق بازی نمی‌کند. یعنی از نظر قرآن، این رفیق بازی‌ها برمی‌گردد به فواحش‌گری. یعنی اینقدر گناهش بزرگ است. وقتی اهمیت به نماز ندادیم، پروردگار عالم دست عنایتش را از روی سر ما برداشت، می‌افتیم در ضلالت‌ها. من از همه و مخصوصاً جوان‌ها تقاضا دارم این دعای پیامبر اکرم(ص) در دل شب را خیلی بخوانید: «اللَّهُمَّ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى تَقْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا» [۱۵]. حال اگر نمی‌توانید عربی بخوانید، به فارسی بگویید: خدایا! مرا یک آن به خودم وامگذار. این ذکر پیامبر اکرم(ص) است و راوی می‌گوید: زن‌های پیغمبر نقل می‌کنند که پیامبر اکرم(ص) مثل باران گریه می‌کرد و در سجده که محل سجده از گریه تر می‌شد و می‌گفت: «اللَّهُمَّ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى تَقْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»

خدا اگر انسان را یک لحظه به خودش وا گذاشت، می‌رسد به آنجا که موبایل مقدس یک قوطی شیطان می‌شود. ماهواره خوبست، اما الان جهنم شده است. خانه‌ای که در آن ماهواره باشد، جهنم است. نعمت است، اما ما از این نعمت سوء استفاده می‌کنیم. وقتی اهمیت به نماز ندادیم و وقتی با خدا رابطه عاطفی نداشتیم، خدا دست عنایتش را از روی سرمان برمی‌دارد و وقتی دست عنایتش را از روی سرمان برداشت، شیطان انسی و شیطان جنی ما را فریب می‌دهد و موبایل ما نه تنها غیر مقدس می‌شود، بلکه آلت دست شیطان برای گمراه کردن جوان‌ها می‌شود و یک مفسده عجیب در خانه‌ها می‌شود. ماهواره همین است و اینترنت و موبایل و سایر چیزها همین است. اینها نعمت‌های بزرگی است و خدا داده، اما ما سوء استفاده می‌کنیم؛ برای اینکه اهمیت به نماز نمی‌دهیم. این اهمیت ندادن به نماز موجب می‌شود خدا دست عنایتش را از روی سر ما بردارد و وقتی ما را به خودمان وا گذاشت، صفت رذیله جلو می‌آید و معنای صفات رذیله همین است که: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» یک انسان بی ادبی بار می‌آید.

شما بدانید که اگر بشود عفت را مجسم کنند، یک خانم می‌شود. اما اگر بی ادب شد، اگر رذالت را مجسم کنند، یک خانم می‌شود. این دست خودش است و خودش باید عفت داشته باشد. وقتی خودش عفت داشت، مجسمه عفت می‌شود که اگر عفت را مجسم کنند، این خانم می‌شود. اما وقتی بی انصافی کرد و از نعمت خدا استفاده نکرد و رابطه با خدا نداشت، این رابطه نداشتن با خدا خیلی مصیبت زاست. اگر هیچ نداشتیم جز همین که: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ، الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» [۱۶]، وای به کسی که نماز را سبک می‌شمارد.

آقا امام صادق(ع) همه خویشان را جمع کرد. خیال کردند می‌خواهند وصیت خاصی کنند. البته از نظر امام صادق(ع) بالاترین وصیت را کرد، اما آنها خیال می‌کردند وصیت مالی دارند. حرف آخر آقا امام صادق(ع) این بود که: «لَا يَتَالُ شَقَاعَتَا مَنْ اسْتَحَفَّ بِالصَّلَاةِ» [۱۷]، به شفاعت ما اهل بیت نمی‌رسد، کسی که نماز را سبک بشمارد. نماز می‌خواند، اما با جماعت نمی‌خواند و در مسجد نمی‌خواند. نماز می‌خواند اما اول وقت نیست و بدون حضور قلب است. حال حضور قلب مشکل است و از ما نمی‌خواهند، اما علی کل حال هر اندازه که می‌شود، لأقل به حسب ظاهر به نماز اهمیت دهیم.

قرآن می‌گوید اگر دنیای آباد می‌خواهی به نماز اهمیت بده «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ تَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» [۱۸]؛ هرکس نماز را سبک بشمارد و اعراض از نماز کند، قرآن می‌فرماید: این دو درد بدبختی دارد. در دنیا یک زندگی ناخوش و توأم با فقر و نگرانی و توأم با چه کنم چه کنم دارد و زندگی تنگ دارد و در آخرت هم کور وارد صف محشر می‌شود. بعد با خدا درد دل می‌کند که «قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَ قَدْ كُنْتُ بَصِيرًا» [۱۹]؛ خدایا! من که در دنیا کور نبودم، پس چرا کور هستم؟ خطاب می‌شود: «قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى» [۲۰]؛ در دنیا ما را فراموش کردی.

یعنی ما اینقدر به خدا اهمیت نمی‌دهیم که دو رکعت نماز حسابی بخوانیم. نماز خیلی مهم است و یک رابطه و معاشقه با خداست. وقتی انسان حمد و سوره می‌خواند، خدا با او حرف می‌زند و این خیلی مهم است. حمد و سوره کلام الله است و خدا با این حرف می‌زند و مابقی نماز، این با خدا حرف می‌زند. یک مکالمه با خداست و اگر به راستی بالا رفته باشد، یک معاشقه با خداست و می‌رسد به آنجا که پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: دو رکعت این نماز از دنیا و آنچه در دنیاست در نزد من مهمتر است. «لَرْكَعَتَانِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا» [۲۱]. اگر به امام صادق(ع) بگویند دو رکعت نماز بخوان، دنیا و آنچه در دنیاست به تو می‌دهیم، امام صادق(ع) قبول نمی‌کند و می‌فرماید پیش من آن دو رکعت نماز افضل از دنیا و آنچه در دنیاست. معلوم است وقتی ما به این نعمت بزرگ اهمیت ندهیم، در دنیا یک معیشت ضنکی و در دنیا یک زندگی چه کنم چه کنم دارد و در آخرت هم کور وارد صف محشر می‌شود و به خدا می‌گوید: بینا بودم چرا اینجا کور هستم؟ خطاب می‌شود در دنیا ما را فراموش کردی و ما هم الان تو را فراموش کردیم.

رسم استاد بزرگوار ما آقای مرعشی، این بود که وقتی مقداری مکاسب می‌گفتند یک نصیحت هم می‌کردند. ایشان می‌گفتند: می‌رفتم به زیارت آقا سید محمد و گم شدم. آقا سید محمد یک امامزاده مجربی در عراق است. می‌گوید: رفتم دم مرگ و بالاخره متوسل به امام زمان «ارواحنا فداه» شدم و آقا آمدند و برایم آبی تهیه کردند و شطی درست کردند و وضو گرفتیم و شنایی کردم و بعد آقا امام زمان «ارواحنا فداه» یک جمله به من گفتند و فرمودند: ننگ است برای طلبه که نماز شب نخواند. جداً ننگ است

که یک طلبه نماز شب نخواند و یا نماز جماعت نداشته باشد و یا یک طلبه اهمیت به نماز ندهد. و ما طلبه‌ها اگر می‌خواهیم به جایی برسیم، نماز، نماز، نماز. و الا بی‌اعتنایی به نماز زندگی را تلخ می‌کند. چنانچه الان زندگی همه ما تلخ است، و یکی از دلایل آن اهمیت ندادن به نماز است. الحمدلله نماز بخوان کم است، اما نماز خوب بخوان هم خیلی کم است و آنچه باید باشد، نماز خوب خواندن است و نماز خدایسند. نمازی که وقتی می‌گوییم: السلام علیکم و رحمة الله و برکاته، عالم وجود به من بگوید السلام علیک و رحمة الله و برکاته. خدا روی این نماز آفرین بگوید و خدا روی این نماز بگوید تو را آمرزیدم.

پی نوشتها

- [۱]. بقره، ۳۰: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت».
- [۲]. المعارج، ۱: «پرسنده‌ای از عذاب واقع‌شونده‌ای پرسید».
- [۳]. النور، ۲۱: «و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاك نمی‌شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاك می‌گرداند».
- [۴]. المعارج، ۱۹-۲۱: «به راستی که انسان سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است، چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لابه کند، و چون خیری به او رسد بخل ورزد».
- [۵]. المعارج، ۲۳: «همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند».
- [۶]. المعارج، ۳۴: «و کسانی که بر نمازشان مداومت می‌ورزند».
- [۷]. العنکبوت، ۴۵: «که نماز از کار زشت و ناپسند بازمی‌دارد، و قطعاً یاد خدا بالاتر است».
- [۸]. البقرة، ۴۵: «از شکیبایی و نماز یاری جویید».
- [۹]. نوح، ۱۱: «[تا] بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد».
- [۱۰]. نوح، ۱۲: «و شما را به اموال و پسران، یاری کند، و برایتان باغها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد».
- [۱۱]. بقره، ۲-۳: «این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقواییشگان است، آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند».
- [۱۲]. الماعون، ۴-۵.
- [۱۳]. النساء، ۲۵: «و دوست‌گیران پنهانی نباشند».
- [۱۴]. المائدة، ۵: «و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید».
- [۱۵]. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۷۵.
- [۱۶]. الماعون، ۴-۵.
- [۱۷]. الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰.
- [۱۸]. طه، ۱۲۴: «و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محسوس می‌کنیم».
- [۱۹]. طه، ۱۲۵: «می‌گوید: پروردگارا، چرا مرا نابینا محسوس کردی با آنکه بینا بودم؟»
- [۲۰]. طه، ۱۲۶: «می‌فرماید: همان طور که نشانه‌های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز همان گونه فراموش می‌شوی».
- [۲۱]. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۳.